

واکاوی حکم استظلال در شب از منظر فقه مذاهب اسلامی

نسرین فتاحی*

مهدی درگاهی**

[تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۱۵]

چکیده

استظلال مردان در شب یکی از مسائل احرام در حج و عمره و از مباحثی است که مشروعیت آن از منظر فقه اسلامی چندان روشن نیست. تاکنون در این باره تحقیقی گسترده و یکپارچه صورت نگرفته است؛ از این رو، پرسش از حکم استظلال در شب برای مردان از منظر فقه مذاهب اسلامی، مسئله‌ای است که نیازمند کاوشی درخور است. اختلاف فقهای اسلامی در تصور استظلال در شب و تبیین مفهوم آن، اختلاف در حکم را در پی داشته است؛ تا جایی که نبود نور خورشید در شب دلیلی بر بی‌معنا بودن استظلال مردان در شب دانسته شده است، حال آنکه استظلال، در نظری صحیح و مستند به ادله شرعی، به پوشاندن سر از سرما و باران و نور خورشید معنا می‌شود، در نتیجه استظلال از نور و گرمای خورشید در روز برای مردان مُحرم، فقط یکی از مصادیق استظلال برای مردان است. چنانکه استظلال از باران و سرما اگر در شب رخ دهد، استظلال در شب خواهد بود. این تحقیق با هدف شناخت اقوال و نظرات فقهای مذاهب اسلامی و حدود و نُغور ادله و تبیین وظیفه مردان در استظلال در شب انجام شده است. رسیدن به این مقصد نیز در سایه گردآوری داده‌های کتابخانه درباره گزاره‌های فقه مذاهب اسلامی و توصیف و تحلیل آنها میسر است.

کلیدواژه‌ها: مُحرمات احرام، استظلال در شب، فقه اسلامی.

* دانشجوی دکتری رشته مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

tahoor87@yahoo.com

** استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم، دانش آموخته سطح چهار حوزوی و پژوهشگر پژوهشگاه المصطفی

aghhigh_573@yahoo.com

مقدمه

احرام در حج و عمره، مستلزم حرمت برخی اعمال و رفتاری است که تا قبل از آن حرام نبوده است. یکی از مُحرمات اختصاصی مردان، که در فقه اسلامی درباره آن بحث می‌شود، استظلال مردان در پیمودن طریق است. استظلال ممکن است با سایه‌بان متحرک، مثل سوار شدن در ماشین سقف‌دار، یا سایه‌بان ثابت، مثل گذر از تونل جاده‌ای، محقق شود. استظلال در منزل شامل استظلال در چادرهای عرفات و منا، هتل‌های مکه یا شهر مکه مکرمه، از محل بحث خارج است؛ هرچند برخی از اندیشوران فقه در استظلال در شهر مکه، به عنوان منزل اختلاف دارند.

استظلال در روز و حفظ سر از نور و گرمای خورشید در پناه سایه‌بان متحرک یا ثابت، با عبارات مختلف و در قالب گزارش‌های متعددی از پیامبر اعظم (ص)، برخی از صحابه و اهل‌بیت (ع) عصمت و طهارت در منابع روایی فریقین (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۹/۵-۳۱۰؛ بیهقی، ۱۳۴۴: ۷۰/۵؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۵۳/۲) منعکس شده است و هر یک از فقهای مذاهب اسلامی بنا بر اعتقاد و مبنای خود در اخذ به احادیث باب، به حرمت استظلال (خوانساری، بی‌تا: ۴۱۲/۲؛ بهوتی، ۱۹۹۶: ۳۵۰/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۹۵/۱۸-۳۹۶؛ ابن‌قدامه، بی‌تا: ۲۸۵/۲؛ بهوتی، ۱۴۱۸: ۳۵۰/۲) و عدم حرمت استظلال (شاهرودی، ۱۴۰۲: ۲۵۳/۳، ۲۵۴؛ ابن‌عابدین، ۱۴۲۱: ۴۲/۷) برای مردان مُحرم حکم کرده‌اند. این مقاله، فارغ از نقض و ابرام این مسئله، درصدد بررسی استظلال در شب است. این اصطلاح اخیراً در کلمات و عبارات فقهای مذهب جعفری به بحث و استنباط گذاشته شده و برخی با خرده‌گیری بر ایشان، استظلال در شب را بی‌معنا دانسته‌اند و معتقدند که استظلال شامل شب نمی‌شود (خوانساری، ۱۴۰۵: ۴۱۲/۲). آن دسته از فقها که استظلال در شب را مطرح کرده‌اند، با ارائه شواهدی از کتب لغت و استعمال آن در روایات، معتقدند از روایات به دست می‌آید که استظلال، پوشاندن سر از گرما، نور خورشید، سرما و باران است. این سرما و باران می‌تواند در شب اتفاق افتد که این محافظت، همان استظلال در شب است (محقق داماد، ۱۴۰۹: ۶۰۶/۷).

در ادامه، مفهوم استظلال و حکم آن را تبیین و آرای فقهای اسلامی در خصوص حکم استظلال در شب را مطرح می‌کنیم. سپس با مراجعه به ادله و گزاره‌های روایی، هر یک از نظرات و آرای مذکور را ارزیابی و با واکاوی و دسته‌بندی احادیث معتبر،

مفاد و دلالت آنها در استظلال در شب را تبیین می‌کنیم که نتیجه آن آشنایی اندیشوران حوزه فقه مذاهب اسلامی با جوانب مسئله خواهد بود.

تبیین مفاهیم اساسی

مفهوم استظلال

استظلال در باب استفعال، مصدر و از ریشه «ظَلَّ» است (حمیری، ۱۴۲۰: ۴۲۲۵/۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۱۶/۱۱). برخی معتقدند ظَلَّ به معنای سایه، سایه‌بان یا هر مانعی در برابر نور خورشید است (راغب، ۵۳۵/۱۴۱۲) و استظلال را به طلب سایه یا سایه‌بان جهت محفوظ ماندن از نور خورشید معنا کرده‌اند (جوهری، ۱۴۱۰: ۱۷۵۶/۵) تا جایی که استعمال آن را فقط برای روز دانسته‌اند (خلیل، ۱۴۱۰: ۱۴۸/۸).

در مقابل، برخی استعمال آن را در شب نیز محتمل دانسته‌اند (صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴: ۹/۱۰) و معتقدند استظلال به معنای محفوظ ماندن و پوشاندن خود از چیزی است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۴۶۱/۳)؛ چه پوشیدگی و نگهداری از نور خورشید باشد و چه غیر از آن. استعمال «الشمس مُستظله»، یعنی خورشید پشت ابر مخفی شده است، تأییدی بر این معنا است. با توجه به مطلب اخیر، مراد از استظلال طلب پوشاندن خود از چیزی است (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۶۰۲/۲) که ممکن است نور، گرمای خورشید، باران یا سرما باشد.

مفهوم حکم

حُکْم در لغت، مصدر واژه «حَكَمَ» (جوهری، ۱۴۱۰: ۱۹۰۱/۵) و به معنای «مَنَع» (خلیل، ۱۴۱۰: ۶۶/۳) و «قضاوت» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۴۰/۱۲) آمده است؛ برخی معنای اصلی آن را «مَنَع» دانسته‌اند (فیومی، بی‌تا: ۱۴۵/۲). بنابراین، معنای این کلمه «منع از فساد برای اصلاح» است و «قضاوت و داوری» از مصادیق این معنا است (راغب، ۱۴۱۲: ۲۴۸).

مراد از حکم در فقه اسلامی، «تشریعی است که از طرف خداوند برای منظم ساختن زندگی انسان صادر شده است» (صدر، ۱۴۱۸: ۵۳/۱ و ۱۲/۲). چنانچه عمل مکلف، از نظر شرعی به یکی از عناوین واجب، مستحب، مکروه و حرام مُتَّصِف باشد، حکم تکلیفی و در غیر این صورت، حکم وضعی خواهد بود؛ همچون طهارت و نجاست، صحت و بطلان، مالکیت، زوجیت.

مراد نویسنده این مقاله از حکم، حکم تکلیفی استظلال مردان در شب است.

آرا و دیدگاه‌های فقهای اسلامی درباره حکم استظلال در شب قول به عدم جواز مطلق استظلال در شب

برخی از فقهای اسلامی استظلال در شب را به طور مطلق حرام دانسته‌اند و تفصیلی بین شب‌های بارانی، سرد و غیر آن نداده‌اند؛ از جمله حاج آقا رضا مدنی کاشانی (کاشانی، ۱۴۱۱: ۱۶۸/۳)، آیت‌الله میرزا جواد تبریزی، شبیری زنجانی (بنا بر احتیاط واجب) و آیت‌الله وحید خراسانی (مناسک حج، ۱۳۹۴: ۳۷ و ۷۶، ذیل مسئله‌های ۴۴۴ و ۴۸۵). در میان علمای دیگر مذاهب فقهی نیز برخی همچون ابن‌قدامه (ابن‌قدامه، بی‌تا: ۲/۲۸۵) و بهوتی (بهوتی، ۱۴۱۸: ۳۵۰/۲) بدون تفصیل بین استظلال در روز و شب، آن را حرام دانسته‌اند که می‌توان از آن، فتوا به حرمت استظلال در شب از منظر ایشان حکم کرد.

قول به عدم جواز استظلال در شب‌های بارانی و سرد

برخی از فقهای اسلامی حکم استظلال در شب را تنها در شب‌های بارانی و سرد برای محفوظ ماندن از باران و سرما حرام دانسته‌اند. ایشان معتقدند اگر مُحرم برای محفوظ ماندن از باران و سرما در شب، مسیر را سواره طی کند، مرتکب حرام شده است. از میان اندیشمندان فقه مذهب جعفری نیز می‌توان به محقق نراقی (نراقی، ۱۴۱۵: ۳۲/۱۲-۳۳)، محقق خوانساری (خوانساری، ۱۴۰۵: ۴۱۲/۲) و آیت‌الله سبحانی اشاره کرد که به حرمت فرض مذکور فتوا داده‌اند. آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله خامنه‌ای احتیاط واجب را در ترک استظلال در فرض مذکور دانسته‌اند (مناسک حج، ۷۴ ص ۱۵۵-۱۵۶).

از میان سایر مذاهب اسلامی، گروهی از مالکیان در ظاهر قائل به حرمت استظلال هستند و معتقدند برای مرد مُحرم جایز نیست که با نصب پارچه‌ای بر عصا و گرفتن آن بر سر، خود را از خورشید و باد یا باران حفظ کند و اگر چنین کند، فدیّه دارد. بنابراین، اگر بر وسیله‌ای سوار شود که سقف آن در حال سفر و حرکت دارای پوشش باشد، حرام است (العبدري الغرناطی، ۱۴۱۶/۱۹۹۴م: ۵۰؛ الدسوقي، بی‌تا: ۵۶/۲ و ۵۷؛ ابوالبركات،

قول به جواز مطلق استظلال در شب

برخی از فقهای اسلامی به جواز استظلال در شب قائل‌اند. اینان بدون اشاره به استظلال در شب‌های سرد و بارانی، تصریح می‌کنند که استظلال در شب جایز است. از میان فقهای مذهب جعفری می‌توان به مرحوم امام خمینی اشاره کرد. ایشان با فتوا به جواز استظلال در شب، احتیاط مستحب را در ترک استظلال در شب‌های بارانی و سرد دانسته است (امام خمینی، ۱۴۲۵: ۲/۲۱۹). آیات عظام گلپایگانی، بهجت، فاضل لنکرانی، نوری همدانی و دیگران فتوای مذکور را مرقوم کرده‌اند (مناسک حج: ۷۴، ص ۱۵۵). از فقهای دیگر فرقه‌ها، زیدیه (یحیی بن حسین، بی‌تا: ۳۰۹/۱؛ مرتضی، ۱۴۰۰: ۱/۸۹)، ظاهریه (ابن حزم، بی‌تا: ۵/۲۱۰) و شافعیه استظلال و زیر سایه رفتن مردان مُحرم را در طول مسیر حرکت مطلقاً جایز می‌دانند (رافعی، بی‌تا: ۷/۴۳۵؛ نووی، بی‌تا: ۷/۲۵۵). بیشتر حنفیان اسمی از استظلال نیاورده‌اند (سمرقندی، بی‌تا: ۱/۴۲۰؛ ابوبکر الکاشانی: ۲/۱۸۴؛ ابن نجیم المصری، بی‌تا: ۲/۵۶۸) و تنها در برخی کتب، استظلال و استفاده از محمل و قبه^۱ و کنیسه^۲ جزو مباحات احرام شمرده شده است (خرشی، بی‌تا: ۲/۳۴۸؛ ابن عابدین، ۱۴۲۱: ۷/۴۲). اینان بدون تفصیل بین روز و شب، استظلال را جایز دانسته‌اند که می‌توان از آن، فتوا به جواز استظلال در شب را از منظر ایشان کشف کرد.

بررسی مبانی و ادله مسئله استظلال در شب

مبانی دیدگاه اول (عدم جواز مطلقاً)

قائلان به عدم جواز مطلق استظلال در شب برای اثبات سخنشان به عموم و اطلاق گزارش‌های رسیده از سیره صحابه و اهل بیت عصمت و طهارت استدلال می‌کنند و معتقدند که حرمت استظلال برای مردان مُحرم در این احادیث شامل شب و روز می‌شود و مراد از آن، حرمت محفوظ داشتن سر مردان مُحرم از آسمان است و فرقی بین شب و روز نیست. به عبارت دیگر، از برخی گزارش‌ها به دست می‌آید که اهل بیت پیامبر اعظم پیروان خود را از سوار شدن بر قبه و کنیسه دارای سقف و نیز از ایجاد سایه بان در حال حرکت و سیر نهی کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: ۵/۳۱۲، ح ۶۸ و ۷۰)؛ در روایات دیگری نیز آمده است که مردان استظلال نکنند (لا یُظَلِّل) (طوسی، ۱۴۰۷:

واضح است که اگر میان شب و روز تفاوت بود، دست کم در میان روایات ذکر شده اشاره می‌شد که «اگر در شب حرکت کردید، سوار شوید»؛ به‌خصوص اینکه در زمان صدور روایات، حرکت در شب متداول بوده و روایاتی نیز در این زمینه گزارش شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۶/۱۱، ح ۱۵۰۳۲؛ ۳۳۱/۴، ح ۵۳۰۷). علاوه بر این، نهی از ایجاد سایه‌بان در برخی روایات به منظور بیان وجود شأنی آن است (شاهرودی، ۱۴۰۲: ۲۵۴/۳؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۱: ۱۶۸/۳)؛ یعنی نیازی نیست در ترک استظلال از ضلال و سایه‌بان بالفعل استفاده شود، بلکه از بهره بردن از سایه‌بان نهی شده است. منظور از سایه‌بان نیز وسیله‌ای است که برای ایجاد سایه ساخته شده باشد، حتی در زمانی که سایه شرایط تحقق پیدا نمی‌کند، مانند شب‌های ظلمانی. پس مراد نهی از بهره‌مندی از مظله (سایه‌بان) در شب و روز است (کاشانی، ۱۴۱۱: ۱۶۸/۳).

طرفداران حرمت استظلال در شب، برای تأیید فتوای خود به برخی از گزارش‌های رسیده از اهل بیت اشاره می‌کنند که در آنها، افزون بر حرمت استظلال در برابر (نور و گرمای) خورشید، به حرمت استظلال در برابر سرما و باران نیز اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۱/۴، ح ۷؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۱/۵، ح ۶۳ و ۶۴). توضیح آنکه وقتی استظلال از باران و سرما در کنار استظلال از خورشید بیان شود، روشن می‌کند که استظلال به خورشید اختصاص ندارد و ممکن است در شب نیز صادق باشد (رک؛ خویی، ۱۴۱۰: ۲۴۱/۴).

محقق نراقی بعد از طرح مسئله و بیان ادله طرفداران اقوال مذکور، به قاعده اشتغال اشاره می‌کند و معتقد است حکم حرمت استظلال فی الجمله، بر مردان مُحرم ثابت است. به اعتقاد او، در حالت شک در اشتغال حرمت بر روز و شب، با استناد به قاعده احتیاط و ترک استظلال در شب، برائت یقینی از اشتغال یقینی رخ می‌دهد (نراقی، ۱۴۱۵: ۳۳/۱۲)؛ اما روشن است که با وجود روایات نوبت به تمسک به اصول عملیه نمی‌رسد.

مبانی دیدگاه دوم (عدم جواز در شب‌های بارانی و سرد)

طرفداران عدم جواز در شب‌های بارانی و سرد، به دسته‌ای دیگر از روایات اهل بیت پیامبر اعظم استناد کرده‌اند که در آنها استظلال از باران و سرما برای مردان مُحرم حرام دانسته شده است. این گروه معتقدند قید خورشید، باران و سرما در این روایات موجب تقیید اطلاقات و عمومات پیشین است و اصولاً استظلال در شب فی نفسه حرمتی

ندارد، مگر آنکه محفوظ ماندن از باران و سرما در شب رخ دهد که در این صورت استظلال در شب مصداق پیدا کرده است.

بخشی از مستندات روایی این گروه گزارش‌هایی است که شیخ کلینی در باب «الظلال للمُحرم» نقل کرده است. او چهار روایت با سندهای متعدد نقل می‌کند که سه حدیث اعتبار و صلاحیت احتجاج دارند. این سه گزارش از ابن‌بزیع از علی بن موسی الرضا (ع)، گزارش عثمان بن عیسی کلابی از موسی بن جعفر (ع) و گزارش زراره از جعفر بن محمد (ع) نقل شده‌اند.

الف) «... وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحْرَمِ مِنْ أَدَى مَطَرٍ أَوْ شَمْسٍ وَ أَنَا أَسْمَعُ فَأَمَرَهُ أَنْ يَفْدِيَ شَاةً وَ يَذْبَحَهَا بِمَنَى»؛ شنیدم که مردی از امام رضا (ع) پرسید: «شخص مُحرم به سبب اذیت باران و خورشید، تظلیل می‌کند (تکلیف او چیست)؟». حضرت دستور دادند یک گوسفند کفاره بدهد و در منا قربانی کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۱/۴، ح ۵).

ب) «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرَمِ أَوْ يَتَغَطَّى قَالَ أَمَّا مِنَ الْحَرِّ وَالْبَرْدِ فَلَا»؛ از امام پرسیدم که آیا مُحرم می‌تواند سر خود را بپوشاند؟ امام فرمود: «از گرما و سرما، خیر» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۱/۴، ح ۱۳).

ج) «إِنَّ عَلِيَّ بْنَ شَهَابٍ يَشْكُو رَأْسَهُ وَ الْبَرْدُ شَدِيدٌ وَ يَرِيدُ أَنْ يَحْرِمَ فَقَالَ (ع) إِنْ كَانَ كَمَا زَعَمَ فَلْيُظَلِّلْ وَ أَمَّا أَنْتَ فَاضْحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ»؛ علی بن شهاب از سر درد می‌نالید، هوا سرد بود و می‌خواست مُحرم شود، امام (ع) فرمود: «اگر استظلال کند مانعی برای او نیست؛ اما تو نباید به خاطر خدایی که برای او مُحرم شدی استظلال کنی» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۱/۴، ح ۷).

دلالت مطابقی روایت اول در حکم وضعی مسئله عنوان شده است، منتها به دلالت التزامی بر حرمت استظلال مُحرم از باران دلالت دارد (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۷۰/۴؛ عاملی، بی‌تا: ۳۹۹/۳؛ و محقق سبزواری، ۱۲۴۷: ۵۹۸/۲؛ و محقق داماد، ۱۴۰۹: ۶۰۶/۷). علاوه بر اینکه دلالت مطابقی روایت دوم و سوم، بر حرمت تکلیفی استظلال از باران و سرمای شدید دلالت دارد.

مبانی دیدگاه سوم (جواز مطلق استظلال در شب)

طرفداران جواز مطلق استظلال در شب، از مذهب جعفری و سایر مذاهب فقهی، به

گزارش‌های رسیده از صحابه و اهل بیت پیامبر اعظم استناد می‌کنند که تنها استظلال از خورشید را مطرح کرده‌اند. این گروه معتقدند که ذکر نور و گرمای خورشید در این روایات موجب می‌شود اطلاق روایات مورد استناد در نظریه اول، بر حرمت استظلال در روز حمل شود. برای نمونه به گزارش شیخ طوسی در حدیثی صحیح از موسی بن جعفر (ع) اشاره می‌شود: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الرَّجُلِ الْمُحْرَمِ وَكَانَ إِذَا أَصَابَتْهُ الشَّمْسُ شَقَّ عَلَيْهِ وَصَدَعٌ فَيَسْتَتِرُ مِنْهَا فَقَالَ هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ إِذَا عَلِمَ أَنَّهُ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ تُصِيبَهُ الشَّمْسُ فَلْيَسْتَظِلَّ مِنْهَا» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۹/۵، ح ۵۷). در این روایت از نور و گرمای خورشید سخن به میان آمده و از آنجا که در شب خورشیدی وجود ندارد، قید خورشید در آن سبب تقیید اطلاق و عموم روایات مورد استناد در مبانی نظریه اول است.

به اعتقاد این گروه، ذکر واژه «أضح» به فتح الف یا به کسر (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۶۰۳/۱۲) نشان می‌دهد که استظلال در روز مراد است. توضیح آنکه «أضحاء» نقیض کلمه ظل است، یعنی سر مُحرم در مقابل خورشید بدون پوشش و باز باشد که در مقابل ظل، یعنی سایه افکندن بر سر مُحرم، قرار دارد؛ بنابراین، أضحاء و تظلیل به خورشید اختصاص دارند (محقق سبزواری، ۱۲۴۷: ۵۹۸/۲؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۵: ۴۸۱/۲). این مطلب را گزارش‌هایی تأیید می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۰/۴، ح ۲) که بر اساس آنها، خداوند با زیر سایه نرفتن مُحرم تا غروب آفتاب، تمام گناهان او را پاک (عفو) می‌کند. متن یکی از این روایات چنین است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ مَا مِنْ حَاجٍ يَضْحَى مُلْبِئاً حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ إِلَّا غَابَتْ ذُنُوبُهُ مَعَهَا» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۱/۵، ح ۷۳) این روایت نشان می‌دهد که زمان زیر سایه نرفتن تا غروب آفتاب است و استظلال در شب مطرح نیست.

این گروه علاوه بر استشهاد مذکور، به ذکر قبه و کنیسه در روایات اشاره می‌کنند (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۲/۵) و معتقدند قبه و کنیسه مشتمل بر سقف و پوشش فوقانی‌اند که در آن دوران تنها برای مسافرت در روز و محافظت از نور و حرارت خورشید استفاده می‌شدند؛ زیرا مسافرت در شب، آن هم در سرزمین گرمی مثل حجاز، اقتضا می‌کند که سقف و پوشش را بردارند تا بتوانند از هوای خارج استفاده کنند. علاوه بر این، متعارف آن روزگار، حرکت کاروان‌ها و قافله‌های حج در روز بوده است، نه در شب (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۲۹۳/۳ - ۲۹۴).

از منظر دیگر مذاهب فقه اسلامی، اندیشورانی که استظلال در روز را حرام

دانسته‌اند، به ذکر گزارشی از ابن عمر استناد می‌کنند و معتقدند که استظلال فقط در روز حرام است و در شب مانعی ندارد. گزارش چنین است:

أَخْبَرَنَا أَبُو طَاهِرٍ الْفَقِيهُ وَأَبُو سَعِيدِ بْنِ أَبِي عَمْرٍو قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ: مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ الصَّعَّانِيُّ حَدَّثَنَا شُجَاعُ بْنُ الْوَلِيدِ حَدَّثَنَا عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو حَدَّثَنِي نَافِعٌ قَالَ: أَبْصَرَ ابْنُ عَمْرٍو رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ رَجُلًا عَلَى بَعِيرِهِ وَهُوَ مُحْرَمٌ قَدْ اسْتَظَلَّ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الشَّمْسِ فَقَالَ لَهُ: «أَصْحَ لِمَنْ أُحْرِمْتَ لَهُ؟»

عبدالله بن عمر چشمش به مردی افتاد که در حال احرام سوار بر شتر بود و میان خود و خورشید سایه کرده بود. به او گفت: «برای خدا خود را در معرض خورشید قرار بده» (البیهقی، ۱۳۴۴: ۷۰/۵).

برخی روایت مذکور را بر منع استظلال در زمان احرام تفسیر کرده و قائل شده‌اند: «مُحْرَمٌ در پیمودن مسیر باید خود را در برابر خورشید قرار داد و از استظلال پرهیزد»؛ برای نمونه: ابن عبدالبر (۲۰۰۰: ۲۴/۴)، ابن عساکر (۱۴۱۵: ۱۸/۵)، کاشانی (۱۴۰۹: ۱۸۴/۲)، ابن تیمیّه (۲۰۰۵/۱۴۲۶: ۱۱۲/۲۶)، زیعلی (۱۳۱۳: ۱۴/۲)، شوکانی (۱۹۹۳/۱۴۱۳: ۱۲/۵)، مبارکفوری (۱۹۸۴/۱۴۰۴: ۳۶۶/۹)، بهوتی (۱۹۹۶: ۳۰۸/۵) و البانی (۱۳۹۹: ۲۸). این فتوا نشان می‌دهد که ایشان استظلال را فقط در روز حرام می‌دانند و مطلقاً قائل به حرمت استظلال در شب نیستند (بهوتی، ۱۹۹۶م: ۳۰۸/۵).

نقد و بررسی مبانی (جمع‌بندی دلالی)

از تتبع در آرای فقهای اسلامی، به خصوص مذهب جعفری، به دست می‌آید که اختلاف آرا ناشی از اختلاف روایات مذکور در منابع روایی است که با فرض صلاحیت احتجاج به هر یک از آنها، جمع عرفی و حل تعارض و تنافی بدوی آنها به تفصیل ذیل است:

در مذهب جعفری، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، سه دسته روایت وجود دارد: **دسته اول:** روایاتی که مردان مُحْرَم را از استظلال و رفتن به زیر مظله نهی مطلق می‌کنند. با توجه به معنای لغوی استظلال، که محفوظ نگه داشتن خود از چیزی است، عمومیت این دسته از روایات شامل استظلال در شب و روز است.

دسته دوم: روایاتی که مردان مُحرم را از استظلال و پوشاندن خود از نور و گرمای خورشید، باران، سرما و باد نهی می‌کنند. با توجه به اینکه ممکن است باران و سرما و باد در روز یا شب اتفاق افتد، استظلال در شب موضوعیتی ندارد و اگر باد و باران و سرما در شب رخ دهد، استظلال در شب خواهد بود.

دسته سوم: روایاتی که مردان مُحرم را از استظلال از خورشید نهی می‌کنند. از آنجا که روایات دسته سوم دلالتی بر حصر استظلال از خورشید ندارند، تقابل و تعارضی با دسته دوم نخواهند داشت، بلکه تقابل دسته دوم و سوم از روایات با دسته اول، در صورت احراز وحدت حکم، مانند تقابل مطلق و مقید موافق خواهد بود. بنابراین، دسته اول بر قیود مندرج در دسته دوم و سوم حمل می‌شود؛ یعنی عرف، اطلاق ناشی از احادیث دال بر حرمت مطلق استظلال و زیر سایه‌بان رفتن را به سبب روایات دال بر حرمت استظلال از خورشید و باران و سرما و باد، مقید می‌کند.

ممکن است گفته شود که تقابل و تنافی مطلق و مقید، فرع وجود مفهوم وصف یا قید است؛ اما در جای خود تأیید شده که وصف و لقب مفهوم ندارد. در نتیجه منافاتی بین روایات نیست و مقتضای قاعده اصولی، اخذ معنای اعم، همان مطلق استظلال است. در جواب باید گفت که در فرض وحدت حکم، بین منطوق روایات تعارض و تنافی وجود دارد؛ چون مطلق، ظهور در اطلاق دارد و مقید، ظاهر در وجود خصوصیتی است که در مطلوب دخالت دارد. به این معنا که دلیل مقید، طبیعت با آن خصوصیت را حرام می‌داند که لازمه اش تعیین حرمت در قید است و با اطلاق دلیل مطلق منافات دارد. تقیید همچنین دایره حکم را به موضوع دلیل مقید محدود می‌کند، البته غیر از آن را نفی نمی‌کند. نتیجه اینکه اثبات حکم برای موضوع خاص با سکوت درباره غیر آن و اثبات برای موضوع و نفی از غیر آن متفاوت است؛ دومی مفهوم است، نه اولی. بنابراین، در فرض مفهوم نداشتن وصف و لقب نیز به نظر عرف، در این روایات تنافی ثابت است.

اگر وحدت حکم در مطلق و مقید مثبت احراز نشود، گفته می‌شود گاهی در دلیل مطلق، محرز است که حکم به خود طبیعت تعلق گرفته و غیر از قید مذکور در دلیل مقید، قید دیگری احتمال ندارد. به این ترتیب، وحدت حکم به صورت عقلی احراز شده؛ زیرا دو اراده به مطلق و مقید تعلق گرفته و با توجه به اینکه مقید همان طبیعت با قید است، جعل دو حکم متمائل صورت گرفته که محال است. در نتیجه، مطلق بر مقید

حمل می‌شود. اگر قید دیگری در موضوع محتمل باشد یا با دست برداشتن از استقلال دلیل مطلق و حمل آن بر مقید یا با تحفظ ظهور استقلال و کشف قید دیگری در آن، تنافی رفع می‌شود؛ اما از آنجا که ظهور مطلق در استقلال ضعیف است، قید دیگری محتمل نیست و در این وجه نیز مطلق بر مقید حمل می‌شود (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۰: ۳۳۵/۲).

ممکن است گفته شود که بر فرض احراز وحدت حکم، جمع این احادیث منحصر به تقیید نیست؛ چون ممکن است مقید بر بیان مهم‌ترین افراد حمل شود؛ چنانکه برخی در علم اصول فقه (آخوند خراسانی، ۱۳۸۶: ۱۰۶) تنافی اطلاق و تقیید مثبت را چنین مرتفع ساخته‌اند. در پاسخ می‌گوییم که توجه به اینکه اطلاق از راه قرینه حکمت و به حکم عقلا ثابت می‌شود، باید محور و ملاک تمسک به اطلاق را با مراجعه به ایشان مشخص کرد. در جایی که حکم واحد به دو گونه بیان شود، عقلا استقلالی برای دلیل مطلق قائل نیستند تا با حفظ آن در ظهور دلیل مقید تصرف کنند. این روش و عملکرد، به اقوی بودن در ظهور ارتباطی ندارد. همان‌گونه که با احراز وحدت حکم — از هر راهی که باشد، چه از راه وحدت سبب و چه از سایر قرائن حالیه و مقالیه — عقلا مطلق را بر مقید حمل می‌کنند؛ زیرا در این‌گونه موارد، دلیلیت و نقشی برای «اصالة الاطلاق» قائل نیستند. به بیان دیگر، در جایی که مولا در کلامی حرمت استظلال را از مطلق مطلقه و قبه و کنیسه — که ممکن است در شب یا روز استفاده شوند — و در کلام دیگر حرمت استظلال از خورشید و باران و سرما و باد را بیان می‌کند، عقلا با فرض وحدت حکم، مطلق را بر مقید حمل می‌کنند؛ چون دلیل بودن «اصالة الاطلاق» نسبت به دلیل مطلق را در جایی تمام می‌دانند که در برابرش دلیل مقیدی نباشد. علاوه بر این، قرینه قرار دادن مطلق در حمل مقید، بر خلاف ظاهر، در محیط قانون‌گذاری شناخته‌شده نیست؛ زیرا آنچه در محیط تشریح نزد عرف متشرعه شناخته شده، حمل مطلق بر مقید است (ر.ک: خدادی، ۱۳۹۰).

خلاصه آنکه در حمل مطلق بر مقید موافق و مثبت اشکالی نیست و با این جمع عرفی، موضوع حرمت استظلال مردان مُحرم در حج و عمره، محفوظ ماندن از خورشید، باران، سرما و باد خواهد بود. البته برای این جمع، غیر از وحدت حکم می‌توان روایات را به مطلق و مقید متنافی و غیرموافق تبدیل کرد. به این بیان که

روایات دال بر حرمت استظلال از باران و سرما و باد و خورشید را در مقام تحدید و حصر بدانیم که در این صورت مفهوم خواهند داشت و این مفهوم با اطلاق روایات مطلق، تعارض بدوی پیدا می‌کند که در نتیجه مطلق بر مقید حمل خواهد شد. بنابراین، اگر فرض کنیم که بودن سایه‌بان متحرک یا ثابت در بالای سر مردان مُحرم تأثیری نداشته باشد — به این بیان که مُحرم با این عمل، خود را از چیزی محفوظ نگه نداشته است و در عرف بود و نبود آن فرقی ندارد — صدق استظلال نشده و مُحرم حرامی انجام نداده است؛ مثلاً در هوای ابری که نه سرد است، نه باران می‌بارد و نه بادی می‌وزد، بود و نبود سایه‌بان فرقی در رسیدن یا نرسیدن نور و گرمای خورشید به مُحرم ندارد و زیر سایه‌بان رفتن، چه متحرک و چه ثابت، در طول مسیر حرکت حاجی و معتمر حرام نخواهد بود (ر.ک: خوبی، ۱۴۱۰: ۲۴۰/۴).

نتیجه‌گیری

استظلال مردان در شب از مسائل مورد اختلاف فقهای مذاهب اسلامی است. این اختلاف ناشی از گزارش‌های متعدد و متنوعی است که در این زمینه رسیده است. در مذهب جعفری، با توجه به جمع دلالی روایات صادر از اهل بیت عصمت و طهارت، استظلال در شب موضوعیتی ندارد و در نظری صحیح و مستند به ادله شرعی، استظلال به پوشاندن و محفوظ نگه داشتن سر از سرما، باران و نور خورشید معنا می‌شود؛ پس استظلال از نور و گرمای خورشید در روز برای مردان مُحرم، فقط یکی از مصادیق استظلال برای مردان است. استظلال از سرما و باران در شب نیز می‌تواند یکی دیگر از مصادیق استظلال برای مردان باشد؛ بنابراین، استظلال از موارد سه گانه مذکور برای مردان حرام است، چه در شب باشد و چه در روز.

در نگاه فقه دیگر مذاهب اسلامی، بیشتر حنفیان اسمی از استظلال نیاورده‌اند و برخی همچون زیدیه، ظاهریه و شافعیه با اینکه به استظلال در کتب فقهی خود اشاره کرده‌اند، آن را حرام ندانسته و به جواز آن برای مردان در پیمودن طریق حکم کرده‌اند. گروهی از مالکیان و حنبله، بدون تفصیل بین استظلال در روز و شب، آن را حرام دانسته‌اند که می‌توان از آن فتوا، حرمت استظلال در شب از نگاه ایشان را

پی‌نوشت‌ها

۱. قبه اتافک کوچکی است که از چوب یا نی ساخته می‌شود و پارچه‌ای را به صورت پرده به دور آن می‌اندازند. سقف آن را با مو، پارچه ضخیم، چرم یا وسایل دیگر، به شکل گنبد درست می‌کنند و آن را روی شتر یا فیل می‌گذارند و محکم می‌بندند یا مثل گاری به عقب اسب و الاغ می‌بندند که منظور از آن، همان کالسکه است.
۲. کنیسه به وسیله‌ای گفته می‌شود که مانند خورجین دو طرف دارد و روی شتر می‌گذارند.

کتاب‌نامه

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۳۸۶ش)، *کفایه الاصول*، اصفهان: خاتم الانبیاء.
- آل‌عصفور بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق)، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- امام خمینی، سید روح‌الله موسوی (۱۴۲۵ق)، *تحریر الوسیلة*، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- البانی، محمد ناصرالدین (۱۳۹۹ق)، *حجة النبی صلی الله علیه وسلم كما رواها عنه جابر رضی الله عنه*، چ پنجم، بیروت: المکتب الإسلامی.
- ابن تیمیة، تقی‌الدین (۱۴۲۶ق/۲۰۰۵م)، *مجموع الفتاوی*، المحقق أنور الباز - عامر الجزار، چ سوم، بی‌جا: دار الوفاء.
- ابن حزم، أحمد بن سعید (بی‌تا)، *المحلی*، بیروت: دارالفکر.
- ابن عابدین، محمدامین بن عمر (۱۴۲۱ق)، *حاشیه ابن عابدین رد المختار علی الدر المختار*، حسام‌الدین بن محمد صالح فرفور، دمشق: دارالبشائر.
- ابن عبدالبر، أبو عمر یوسف بن عبدالله (۲۰۰۰م)، *الاستدکار*، تحقیق سالم محمد عطا - محمدعلی معوض، بیروت: الناشر دار الکتب العلمیة.
- ابن عساکر (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن فارس، بن‌زکریا (۱۴۰۴ق)، *معجم مقانیس اللغة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن‌قدمه، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م)، *الکافی فی فقه الإمام احمد*، دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، چ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- ابن‌نجیم المصری، ابراهیم بن محمد (۱۳۳۸ق)، *البحر الرائق شرح کنز الدقائق*، چ دوم، بی‌جا: دار الکتب الاسلامی.
- أبو البرکات (بی‌تا)، *الشرح الكبير*، دار إحياء الكتب العربيہ - عيسى البابي الحلبي وشركاه، بی‌جا: بی‌نا.
- www.SID.ir

أبي شيبة الكوفي (بي تا)، المصنّف، تحقيق محمد عوامة، بي جا: دار القبلة.
احمد المرتضى (١٤٠٠ق)، شرح الازهار في فقه الزيدية، صنعا: غمضان.
الباني، محمد ناصر الدين (١٤٠٥ق/١٩٨٥م)، ارواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل، ج دوم، بيروت: المكتب الإسلامي.

بهوتي، منصور بن يونس بن إدريس (١٤١٨ق/١٩٩٦م)، شرح منتهى الإرادات المسمى دقائق أولى النهى
لشرح المنتهى، بيروت: الناشر عالم الكتب.
بيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي (١٣٤٤ق)، السنن الكبرى، بي نا، مجلس دائرة المعارف النظامية
الكائنة.

حر عاملي، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، وسائل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
حميري، نشوان بن سعيد (١٤٢٠ق)، شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، بيروت: دار الفكر
المعاصر.

خدادادي، فتح الله (١٣٩٠ش)، «استقلال در شب»، ميقات حج، شماره ٧٧.
خوانساري، سيد احمد بن يوسف (١٤٠٥ق)، جامع المدارك في شرح مختصر النافع، ج دوم، قم:
مؤسسه اسماعيليان.

خويي، سيد ابوالقاسم موسوي (١٤١٠ق)، المعتمد في شرح المناسك، قم: منشورات مدرسة دار العلم -
لطفی.

الدسوقي، محمد بن أحمد (بي تا)، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، بي جا: بي نا، نرم افزار مكتبه
الشامله.

راغب اصفهاني، حسين بن محمد (١٤١٢ق)، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان - سوريه: دار العلم - الدار
الشامية.

الرافعي، عبدالكريم (بي تا)، فتح العزيز، بي جا: دار الفكر.
الزركشي المصري، شمس الدين محمد بن عبدالله الحنبلي (١٤١٣ق/١٩٩٣م)، شرح الزركشي، بي جا: دار
العبكان.

الزليعي الحنفي (١٣١٣ق)، تبين الحقائق، القاهرة: الناشر دار الكتب الإسلامي.
السمرقندي، محمد بن احمد (١٤١٤ق)، تحفة الفقهاء، بيروت: دار الكتب العلمية.
السيوطي، جلال الدين (بي تا)، شرح سنن ابن ماجه، فخر الحسن الدهلوي، نرم افزار مكتبه شامله.
شاهرودي حسيني، سيد محمود (١٤٠٢ق)، كتاب الحج، قم: مؤسسه انصاريان.
الشوكاني، محمد بن علي بن محمد بن عبدالله (١٤١٣ق/١٩٩٣م)، نيل الأوطار، تحقيق عصام الدين
الصبايطي، مصر: دار الحديث.

صاحب بن عباد، اسماعيل (١٤١٤ق)، المحيط في اللغة، بيروت: عالم الكتاب.
الصدر، محمدباقر (١٤١٨ق)، دروس تمهيدية في علم الاصول المعالم الجديدة للاصول، ج دوم، النجف
الأشرف: اصدار مكتبة النجاح لصحابها، السيد مرتضى الرضوي.

- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية. عاملی، میر سید احمد علوی (بی تا)، *مناهج الأخیار فی شرح الاستبصار*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- العبدری الغرناطی، أبو عبدالله المواق المالکی (۱۴۱۶ق)، *التاج والإکلیل لمختصر خلیل*، بی جا: دار الکتب العلمیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ق)، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق)، *کتاب الحج*، چ دوم، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- فیض کاشانی (۱۴۰۶ق)، *الواقی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
- فیومی مقری، احمد بن محمد (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم: منشورات دار الرضی.
- القرطبی، ابن رشد (۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م)، *ال بیان والتحصیل والشرح والتوجیه والتعلیل لمسائل المستخرجة*، تحقیق د. محمد حجی و آخرون، چ دوم، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- الکاشانی، أبی بکر (۱۴۰۹ق)، *بدائع الصنائع*، بی جا: بی نا.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۴۰۷ق)، *الکافی*، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مبارکفوری، أبو الحسن عبیدالله (۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م)، *رعاة المفاتیح شرح مشکاة*، چ سوم، بنارس الهنند: *المصابیح إدارة البحوث العلمیة والدعوة والإفتاء - الجامعة السلفیة*.
- متقی الهندی (۴۰۱ق)، *کنز العمال*، تحقیق بکری حیاتی صفوه السقا، چ پنجم، بی جا: مؤسسه الرساله.
- محقق داماد یزدی، سید محمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب الحج*، تقریر عبدالله جوادی آملی، قم: چاپخانه مهر.
- مدنی کاشانی، حاج آقا رضا (۱۴۱۱ق)، *براهین الحج للفقهاء و الحجج*، چ سوم، کاشان: مدرسه علمیه آیت الله مدنی کاشانی.
- مسلم (بی تا)، *الصحيح*، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مناسک حج همراه با حواشی، دار الحدیث، دوم، زمستان ۷۴، بی جا.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- النووی، أبوزکریا محیی الدین (بی تا)، *المجموع شرح المذهب*، بی جا: دار الفکر.
- یحیی بن حسین (بی تا)، *الاحکام فی الحلال و الحرام*، بی جا: بی نا.

Archive of SID